

بررسی تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانک‌ها

محمد مهرافروز^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

چکیده

هدف این مطالعه تعیین تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نوع کاربردی بوده است و داده‌های پژوهش که به صورت مقطعی و در نیمه اول سال ۱۴۰۳، از طریق پرسشنامه که بین اعضای نمونه توزیع و در مدت زمان مشخصی جمع‌آوری گردید و روایی به صورت اعتبار صوری و پایایی داده‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ و تحلیل رگرسیونی آن پرداخته شد. در همین راستا جامعه آماری، بانکهای تجاری استان فارس می‌باشد و نمونه آماری نیز شامل ۱۳۶ نفر از اعضای فعال در بانک می‌باشند که با استفاده از روش جدول مورگان انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر منفی و معناداری دارد. بنابراین، شناسایی عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و رعایت نکات مربوط به آن میتواند باعث کاهش ریسک نکول بانکها و در نتیجه افزایش سودآوری و بهبود وضعیت عملکرد آن شود.

واژگان کلیدی

عوامل محیطی، عوامل اجتماعی، عوامل حاکمیتی، ریسک نکول

^۱* کارشناس ارشد حسابداری، بانک ملی، اوز، ایران (نویسنده مسئول: Mohammadmehrafrooz2580@gmail.com)

مقدمه

ورشکستگی‌های اخیر بانک‌ها اهمیت بهبود نظارت بر بخش بانکی را برجسته کرده است و بر لزوم اتخاذ رویکردی جامع برای ارزیابی ریسک بر اساس ارزیابی مدل کسب و کار بانک که ترکیبی از داده‌های مالی (مانند داده‌های موجودی بانک) و غیر است، تأکید می‌کند. اطلاعات مالی به عنوان مثال، عملکرد زیست محیطی، اجتماعی، حاکمیتی بانک. در این مطالعه، تأثیر عملکرد ستون‌های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی آن‌ها را بر ریسک‌پذیری بانک‌ها به خصوص ریسک نکول بانک بررسی شده است (اگیدو و همکاران^۱، ۲۰۲۴). از زمان پایان بحران مالی، مقامات نظارتی و سیاست‌گذاران، مقررات بانکی را برای ارزیابی و تقویت آسیب‌پذیری‌هایی را که بر سیستم مالی تأثیر گذاشته است، تقویت و نظارت کرده‌اند. به دنبال این الزامات نظارتی، مدل کسب و کار بانک موضوع مورد علاقه در ادبیات بانکی بوده است و ویژگی‌های مدل‌های کسب و کار بهتر و واگرای آن‌ها را درک کردید که تأثیر بر عملکرد، کارایی، ریسک‌پذیری و پرداخت بدهی خواهد داشت. برای تأکید بر اهمیت تجزیه و تحلیل مدل کسب و کار، برخی از محققان نشان داده‌اند که چگونه مدل‌های کسب و کار حاوی اطلاعات هستند که فراتر از شاخص‌های سنتی ریسک و بازده بانک است، ارائه بینش بهتر به تنظیم‌کننده‌ها و ناظران در مورد پایداری سود و ثبات بانک‌ها این مطلب را نشان می‌دهد (لارتنی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). برخی از نویسندگان با تمرکز بر روی جنبه ریسک نشان داده‌اند که چگونه مدل‌های کسب و کار می‌توانند نشانه‌ای از تمایل شرکت به ریسک‌پذیری، تسهیل انگیزه‌ها برای پوشش ریسک باشد (اگیدو و همکاران، ۲۰۲۴). سقوط اخیر بانک‌های متوسط به عنوان مثال، بحران بانک همچنین بر اهمیت مدل کسب و کار و همگرایی بر روی ارزیابی فشرده ثبات مالی تأکید کرده‌اند. در نتیجه، مقامات نظارتی اجرای یک رویکرد کل نگر برای ارزیابی ریسک بانک را تشویق می‌کنند تا این رویدادهای نامطلوب و اثرات مسری را در صنعت بانکداری به حداقل برسانند. با توجه به بازار و تجارت در حال تحول در محیط‌ها، سرپرستان صرفاً به کفایت سرمایه نگاه نمی‌کنند یک نقطه در زمان، بلکه، آنها دوام مدل کسب و کار را در زمان طولانی‌تری از افق‌ها ارزیابی می‌کنند. در واقع، هنگام انجام فعالیتهای بانکی، سرپرستان به منابع مختلفی تکیه می‌کنند، از جمله گزارش مالی بانک‌ها؛ طرح‌های تجاری؛ و گزارش نویسی داخلی. با بررسی محیط تجاری بانک‌ها و گفتگو با ذینفعان داخلی و خارجی انجام میشود. در ارزیابی ریسک‌پذیری بانک‌ها، ناظران باید داده‌های مالی و افشای اطلاعات غیر مالی را در نظر بگیرند. دستورالعمل برای شناسایی عوامل خطر و عوامل تعیین‌کننده بحران هنوز انجام نشده است و در مدل‌های تحلیل فعلی آنها بررسی شده است. علاوه بر ارتباطی که به مدل کسب و کار بانک داده شده است، تعداد فزاینده‌ای از ناظران انتظار دارند که بانک‌ها به طور محتاطانه به ریسک‌های ناشی از آب و هوا رسیدگی کنند. تغییر با تنظیم چارچوب‌های مدیریت ریسک موجود و اجرای سیاست‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی انجام شده است. به طور خاص، آب و هوا تغییر از طریق ریسک‌های فیزیکی و انتقالی بر ایمنی سیستم بانکی تأثیر می‌گذارد (ماناسترولو^۳، ۲۰۲۰). این موضوع سناریوی نامطلوب به ارمغان آورده است؛ ناظران بانکی برای اطمینان از اینکه بانک‌ها به درستی شناسایی، مدیریت و این خطرات را افشا کنند، در

¹ - Egidio and etal² - Lartey and etal³ - Monasterolo, I

این دیدگاه بانک مرکزی اروپا، موسسات مالی را نسبت به ریسک‌های مالی، آب و هوا، محیط زیست و شوک‌های انتقالی، تحریک میکند و به ایمنی و سلامتی کمک می‌کند بخش بانکی و سیستم مالی کلی کمک میکند. علاوه بر بعد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌تواند بر توسعه اقتصادی مناسب تأثیر بگذارد و نمایه ریسک‌پذیری بانک را کاهش دهد. در زمینه گسترده تر اطلاعات غیر مالی، سیاستهای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مرتبط ترین بعد بوده است. تحلیل که توسط سهامداران و ذینفعان در حال رشد هدایت می‌شود فشار روی موضوع را کاهش میدهد (هوستون و شان^۴، ۲۰۲۲). به عنوان بانکداری اروپا مرجع توجه بیشتر به عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را برجسته کرده است عواملی می‌توانند شهرت بانک‌ها را بهبود بخشند و تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نشان میدهد خطرات مربوط به دارایی‌های مالی موجود در ترازنامه مؤسسات مالی را کاهش میدهد. در نتیجه، نیروهای نظارتی بر این موضوع تأکید دارند پذیرش مدل کسب و کار در فرآیند بررسی و ارزیابی نظارتی و واسطه‌های مالی را به سمت گنجاندن خطرات مرتبط با آب و هوا و زیست محیطی در نظارت سوق میدهد. مدل کسب و کار و تحلیل حاکمیت داخلی در فرآیند همگرایی به سمت ارزیابی کل نگر ریسک‌های بانکی، اتخاذ یک طبقه بندی خطر منحصر به فرد، عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را تشویق می‌کند ادغام اطلاعات غیر مالی در چارچوب بانکداری نظارتی تسهیل نماید (اگیدیو و همکاران، ۲۰۲۴). با این وجود در بانکهای ایران نیز مانند دیگر بانکهای فعال در کشورهای دیگر تحت تأثیر عواملی قرار میگیرند که ممکن است بر عملکرد بانک تأثیر بگذارد. البته عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به عنوان یکی از موضوعاتی که ممکن است بر ریسک نکول بانکها تأثیرگذار باشد مورد سنجش قرار میگیرد؛ چراکه بانکها در چرخه حیات خود تحت تأثیر عواملی قرار میگیرند که ممکن است اثرات نامطلوبی بر چرخه فعالیت آنها داشته باشد و باعث شود بانکها را به خطراتی از قبیل منحل شدن یا ورشکستگی سوق دهد؛ پس به عنوان یکی از موضوعات ضروری و خاص میتوان عوامل گفته شده را شناسایی نمود و باعث کاهش یا افزایش ریسک پذیری بانکها گردید و از طرفی ممکن است این سوال مطرح شود که آیا عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانک تأثیرگذار است یا خیر؟ از این رو، این مطالعه به بررسی تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس پرداخته است.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

موضوع پایداری شرکتی از زمانهای قدیم همواره به عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده است. اصطلاح پایداری شرکتی از مفهوم وسیع تری تحت عنوان توسعه پایداری شکل گرفته است. توسعه پایداری شرکتی را با سه مفهوم اساسی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مرتبط میدانند (معبودی و همکاران، ۱۴۰۰). گزارش پایداری، گزارشی است که میتواند به شرکتها کمک کند تا عملکرد اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و مدیریتی خود را اندازه گیری و منتشر کنند. در واقع پایداری شرکت مبتنی بر عملکرد بلندمدت شرکت در ۴ حوزه کلیدی ذکر شده است. سازگاری با محیط زیست و ذیحق دانستن ذینفعان از معیارهای مهم پایداری است که در ماده دو قانون برنامه ۵ ساله ششم توسعه موضوعات خاص راهبردی در مورد مسائل پایداری مطرح شده است (اخترشناس و همکاران، ۱۴۰۲). علی رغم وجود این تعاریف از چهار حوزه مذکور، سه

⁴ - Houston, J. F., & Shan, H

حوزه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بیانگر مسائل غیرمالی است که در سالهای اخیر به شدت مورد توجه سرمایه گذاران و سیاست گذاران قرار گرفته اند. این حوزه ها تحت عنوان عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نام گذاری شده است. در حقیقت از آنجا که پایداری موضوع مهمی برای سرمایه گذاران است، وجود ریسکهای مرتبط با ریسکهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی میتوانند به عملکرد و ارزش شرکت آسیب رسانند (کوزو^۵، ۲۰۱۸). عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی یک شرکت میتواند عدم تقارن اطلاعاتی و نوسان قیمت سهام را در بازار کاهش دهد. شرکتهایی که عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پایینی دارند با واکنش منفی سرمایه گذاران مواجه میشوند. درواقع عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نقش موثری در کاهش نوسانات سهام و ریسک شرکت دارد (جو و نا^۶، ۲۰۲۱)؛ چراکه به دلیل واکنش منفی سرمایه گذاران به بحث های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و نگرانی های مسئولیت اجتماعی شرکتها، نوسانات قیمت سهام به طور تصاعدی در بازار افزایش می یابد که بر ریسک شرکتها تأثیر میگذارد. مطالعات پیشین، ارتباط معکوس قابل توجهی را بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتها و ریسک آنها گزارش کرده اند. در این راستا میتوان عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را نیز به ریسک مالی ارتباط داد (شکیل^۷، ۲۰۲۱). سرمایه گذاری مسئولیت پذیری اجتماعی و سرمایه گذاری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی از معمولترین استراتژیهای سرمایه گذاریهای مبتنی بر ارزش هستند. در همین راستا، شرکتها پایداری تلاش میکنند تا سرمایه گذاریهای خود را در شرایط محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بهتر انجام دهند. سرمایه گذاری در عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی میتواند به کاهش ریسک سیستماتیک کمک نماید و بر ریسک مالی شرکت نیز اثر بگذارد (لندی و همکاران^۸، ۲۰۲۲). اگر شرکتها با الزامات عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را تطبیق دهند، کمتر در برابر شوکهای سیستماتیک آسیب پذیر خواهند بود. شرکتهایی که عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بالاتری دارند، احتمالاً به دلیل حاکمیت شرکتی شفاف تر، مشکلات کمتری با سهامداران خود دارند (سرکویی و همکاران^۹، ۲۰۲۱). به طور کلی در راستای مطالب بیان شده باید گفت که در ادبیات تحقیق عملکرد اجتماعی شرکت بر رابطه بین عملکرد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی شرکت تمرکز دارد و نتایج به دلیل روشهای مختلفی که برای اندازه گیری متغیرها استفاده شده است، مبهم است. برخی از مطالعات رابطه مثبت عملکرد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی را مورد تأکید قرار داده اند و برخی دیگر رابطه منفی را گزارش نموده اند. علی رغم بحث آکادمیک در مورد ماهیت رابطه عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی شرکت، مطالعات همچنان ادامه دارد و این مطالعات اغلب فقط از اقدامات مبتنی بر حسابداری برای ارزیابی عملکرد مالی استفاده میکنند. در این راستا نتایج برخی مطالعات از جمله مطالعه اورلتزکی و بنجامین (۲۰۰۱)، حاکی از آن است که تأثیر منفی عملکرد اجتماعی شرکت بر معیارهای ریسک بازار نسبت به معیارهای مبتنی بر حسابداری بیشتر است. مزیت مهم استفاده از معیارهای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، این است که جنبه های مهم سه بعدی اجتماعی و زیست محیطی و حاکمیتی را به خوبی منعکس میکنند که در نتیجه سبب میشود شرکتها با حداقل تلاش

⁵ - COSO

⁶ - Jo, H., Na, H

⁷ - Shakil, M.H

⁸ - Landi and etal

⁹ - Cerqueti and etal

و کمترین هزینه به گونه ای رفتار کنند که با دستورالعملها و چارچوبهای گزارشگری در این زمینه مطابق یابند. براساس رویکرد اخلاقی ذینفعان، در هر وضعیتی شرکتها باید اعتماد کلیه ذینفعان غیرمالک شرکت را جلب کنند. همچنین براساس نظریه مشروعیت، معیار مشروعیت سازمانها حفظ منافع مالی و غیرمالی است که در واقع پاسخ به انتظارات جامعه میباشد و این پاسخگویی باید با افشای جزئیات کامل مسائل غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی همراه باشد. علاوه براین براساس نظریه نمایندگی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان اهمیت بسیاری دارد و افشای اطلاعات محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با جزئیات کامل به صورت داوطلبانه میتواند این عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. با این وجود بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، سیاست مبتنی بر الزام شرکتها به افشاسازی آشکار عوامل زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ندارند. باتوجه به وجود شاخصهای محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در سطح بین المللی و نبود چنین شاخصی در ایران و همچنین با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع در راستای تلاش در جهت بین المللی شدن سازمانها و شرکتها بررسی موضوع فوق حیاتی است (بختیاری، ۱۴۰۲).

ریسک در یک بانک عبارت است از: عدم اطمینان نسبت به نرخ مورد انتظار بازدهی دارائیه‌ها. بانکها در یک محیط کاملاً پر ریسک فعالیت می کنند و در واقع بدون پذیرفتن ریسک، موجودیت بانکها زیر سؤال رفته و توجیهی برای ادامه فعالیت آنها باقی نمی ماند. در فرهنگ لانگمن واژه ریسک به احتمال بروز خطر یا روبرو شدن با خطر، صدمه و خسارت دیدن، کاهش درآمد و زیان گفته میشود. رز ریسک را از دیدگاه بانکداری، به معنای عدم قطعیت در رابطه با یک اتفاق تعریف میکند. کمیته بال ریسک اعتباری را اینگونه تعریف میکند: ریسک اعتباری عبارت است از امکان بالقوه اینکه قرض گیرنده از بانک و یا طرف حساب وی در ایفای تعهدات خود در مقابل بانک در مدت زمان مشخصی ناتوان شود. ریسکهای بانکی بر اساس استانداردها و دیدگاه های متفاوتی قابل تقسیم بندی است. لازم به توضیح است که در زمینه طبقه بندی انواع مختلف ریسک دیدگاه های متفاوتی وجود دارد ولی آنچه مسلم است، طبق استانداردهای بین المللی و کمیته بال روشهای شناسایی، محاسبه و مدیریت ریسک در بانکها مستقل از زمینه فعالیت و دولتی و غیر دولتی بودن آن است. ریسکهای بانکی شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک سررسید، ریسک بازار، ریسک سرمایه، ریسک عملیاتی و تسویه حسابها، ریسک معاملاتی، ریسک حقوقی، ریسک منابع انسانی، ریسک حسن شهرت، ریسک تکنولوژیکی، ریسک سودآوری، ریسک ناتوانی ناتوانی در پرداخت تعهدات، ریسک تمرکز و ریسک ضمانت میباشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۴). مهمترین معیار سرمایه گذاری در بازار سرمایه ریسک و بازده شرکتها میباشد، از این رو سرمایه گذارانی بیشترین موفقیت را کسب میکنند که به این دو معیار توجه ویژه‌ای داشته باشند. تغییر مدیریت شرکتها منجر به تصمیمات متفاوتی در حوزه مالی شرکتها میشود در نتیجه جزء عوامل اثر گذار بر ریسک و بازدهی شرکتها محسوب میگردد. عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت سازمانها، مدیران آنها را با چالشهای متعدد مواجه ساخته است. برای مدیریت موثر این چالشها، رویکردهای نوین مدیریت و شایستگیهای خاص طرح و توصیه شده است. تغییر مدیریت شرکت یکی از راهکارهای هیئت مدیره در جهت حفظ منافع بلند مدت سهامداران میباشد. تغییر مدیریت شرکت زمانی صورت میپذیرد که مدیر عامل شرکت نسبت به سال گذشته تغییر کرده باشد. مدیر عامل به عنوان مدیر اجرایی شرکت، عموماً مسئول تمامی

فعالیت‌های شرکت است و مستقیماً به اعضای هیئت مدیره و رئیس هیئت مدیره گزارش می‌دهد. اجرای تصمیمات اعضای هیئت مدیره و تضمین تداوم درست فعالیت‌های شرکت بر عهده اوست (وی تینگ^{۱۰}، ۲۰۱۱). از آنجایی که تغییر مدیر عامل به عنوان بخشی از مبحث حاکمیت شرکتی برای کنترل عملیات شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد و امروزه نیز ثبات مدیریت شرکت به عنوان بخشی از مبحث فوق مورد توجه است، بررسی تأثیر آن بر روی عملکرد شرکت و ریسک نکول موضوع این تحقیق گشته است. ریسک در زبان عرف عبارت است از خطری که به علت عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده پیش می‌آید و هر قدر این عدم اطمینان بیشتر باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود که ریسک زیاده‌تر است. ریسک نکول به معنی احتمال عدم توانایی واحد تجاری در پرداخت به موقع بدهیها و ایفای تعهدات خود در سر رسید این بدهیها می‌باشد. این ریسک به عنوان زمینه ساز ورشکستگی شرکتها همواره مورد توجه سرمایه گذاران قرار گرفته است. ذهنیتی که مدیریت شرکت از زمان تغییر خود دارد اغلب بر به کارگیری سیاستهای تعهدات اختیاری توسط مدیریت موثر می‌باشد و اغلب مدیرانی که برآوردی کمتر در رابطه با طول دوره مدیریت خود دارند گرایش بیشتری در به کارگیری تعهدات اختیاری دارند و این امر اغلب اوقات ریسک نکول را در شرکت افزایش می‌دهد (بروکمن و دیستل^{۱۱}، ۲۰۰۹). ریسک نکول احتمال این است که اعتبارگیرنده قادر به پرداخت تعهد خود به طور کامل و در زمان مقرر به اعتباردهنده نباشد. بر اساس تعریف واسالو و اکسینگ (۲۰۰۴)، ریسک نکول احتمال این است که داراییهای شرکت کمتر از ارزش دفتری بدهیهای شرکت شود. آنها بیان کردند، ریسک نکول موجب می‌شود که وام دهنده صرف ریسکی را بابت تحمل این ریسک از وام گیرنده درخواست کند. اندازه صرف ریسک درخواستی، تابعی از احتمال نکول شرکت است. ریسک نکول ممکن است به دلیل عملکرد ضعیف شرکت یا اهرم بالای آن ایجاد شود. با وجود توجه نظری مدل قیمتگذاری داراییهای سرمایه ای، پژوهشهای زیادی به این نتیجه رسیده اند که بتای سهم، مقیاس کاملی برای ریسک شرکت نیست. فاما و فرنچ (۱۹۹۲)، بر مبنای شواهد تجربی بیان داشتند که بتای سهم، مقیاس ناقصی برای ریسک سهام است. یافته های آنها نشان می‌دهد که رابطه بین میانگین بازده و بتا در بورس اوراق بهادار نیویورک، در دوره ۱۹۴۱-۱۹۹۰ ضعیف و در دوره ۱۹۶۳-۱۹۹۰ بسیار ضعیف بوده است. لاکسمی (۱۹۹۸) رابطه بین بازده مورد انتظار سهام عادی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام را بعد از کنترل بتا و اندازه شرکت، مورد بررسی قرار داد. وی نشان می‌دهد که بتا مقیاس کاملی از ریسک نیست. وی پیشنهاد کرد که نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، مقیاس کاملتری از ریسک شرکت است. هالیوال، لی و فراق (۱۹۹۱) به این نتیجه رسیدند که ریسک نکول در توضیح بازده سهام، بتا را کامل میکند و بخشی از ریسک بازده مورد انتظار آتی که بتا آن را در برنمیگیرد، پوشش می‌دهد و با ضریب واکنش سود همبستگی منفی دارد. فراق، ویلکینز و هولدر وب (۲۰۰۱) بیان داشتند که نقض قرارداد بدهی با افزایش در ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک همراه است. آنها به این نتیجه رسیدند که تغییرات در ریسک غیرسیستماتیک با ریسک نکول همبستگی دارد. ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک، سبب کاهش ضریب واکنش سود میشود (زکریا و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۳؛ ابراهیمی کردلر و محمدی شاد، ۱۳۹۳). امروزه با توجه به

¹⁰ - Wei Ting

¹¹ - Brookman, J. & P. D. Thistle

¹² - Zakaria and etal

اینکه بانکها به عنوان یکی از مهمترین بخش اقتصاد یک کشور را تعیین میکند، باید مورد بررسی و نظارت بیشتری قرار گیرد؛ چون بانکها نقش مستقیمی بر فعالیتهای اقتصادی و رونق آن بر عهده دارد و ضروری است عواملی که بر آن اثر گذاشته میشود شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرد. عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی یکی از موارد محسوب میشود و ضمن شناسایی شاخصهای مربوط به آن، باید بر ریسک بانکی نیز سنجیده شود و از طرفی این احتمال وجود دارد که هریک از عوامل مطرح شده فوق بتواند اثری بر عملکرد و کارایی بانک داشته باشد که برای هر یک از آنها شاخص های جدید در نظر گرفته میشود به عنوان مثال عوامل محیطی: از میانگین وزنی سه شاخص منابع، انتشار و نوآوری. عوامل اجتماعی: از چهار مولفه نیروی کار، حقوق بشر، مسئولیت جامعه و محصول. عوامل حاکمیتی: براساس سه مولفه مدیریت، سهامداران و استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت (اگیدیو و همکاران، ۲۰۲۴). با توجه به مطالعاتی که از موضوع پژوهش صورت گرفته نشان داده است که مولفه های فوق جدید و دارای نوآوری میباشد و باعث میشود ذهنیت پژوهشگر را به سمت یک موضوع جدید بکشاند و تلاش برای اینکه هریک از مولفه های فوق شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرند، بیشتر میشود. از طرفی ریسک نکول بانکها نیز که در بانکها وجود دارد و معمولاً تحت تأثیر عواملی مانند نرخ بهره، نرخ ارز، تورم، تحریم و غیره قرار میگیرد؛ در اینجا عوامل دیگری مانند عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مورد بررسی قرار میگیرد که هر یک از آنها خود دارای زیر مجموعه های جدیدی میباشد. بانکها نقش قابل توجهی بر اقتصاد خواهند داشت؛ به طوری که در ایران نیز با وجود داشتن این عوامل ممکن است اثراتی بر اقتصاد کشور وارد شود و باعث شده است پژوهشگر به دنبال این باشد که علاوه بر شناسایی و ارزیابی عوامل اثرگذار بر ریسک نکول بانک، بتواند تشخیص دهد چه راهکارها یا مدلهایی ارائه دهد که منجر به کاهش ریسک نکول بانکی گردد. بنابراین ضروری است که برای تقویت خلاء موجود در بخش بانکی، بتواند گام هایی را بردارد که برای بانکها و اقتصاد کشور مناسب باشد و از طرفی منجر به بهبود وضعیت و عملکرد بانکی در شرایط اقتصادی کشور شود. سرپرستان و ناظران بانکها نیز در این زمینه تلاش میکنند تا بتوانند این خلاء را تقویت نموده و یا برای دستیابی به اهداف مورد نظر قدم مثبتی بردارند. بنابراین پژوهشگر میتواند با انجام این موضوع بسیاری از سوالات مطرح شده در ذهن را پاسخ دهد و به نتایجی دست یابد که برای بانکها مفید و مهم واقع گردد. پس به بررسی تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس با توجه به شناسایی عوامل جدید مطرح شده فوق پرداخته شده است.

عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی: در سالهای اخیر سرمایه گذاران توجه خود را به شیوه های حاکمیتی، اجتماعی و زیست محیطی شرکتها معطوف کرده اند. فشار روبه رشد سرمایه گذاران بر روی مدیران شرکتها برای توجه به ریسکهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی منجر به تصویب قوانین جدیدی شده است که افشاسازی اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را در تعدادی از کشورها الزامی میسازد. با این وجود، بسیاری از کشورها از جمله کشور ما، سیاستی مبتنی بر الزام شرکتها افشاسازی آشکار عوامل زیست محیطی، اجتماعی و اکمیتی ندارد. در غیاب افشاسازی الزامی اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، گزارشات عملکرد هیئت مدیره میتواند منبع اطلاعاتی مناسبی در این زمینه برای سرمایه گذاران باشد. شواهد تجربی اخیر نشان میدهد که عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ضعیفی شرکت،

میتواند به نگرش سرمایه گذاران نسبت به شرکت آسیب رسانده و ارزیابی آنها از ریسک مالی شرکت را تشدید کند (کولبل و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۷). در این مطالعه برای هر یک از عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شاخصهای جدیدی در نظر گرفته شده است که به شرح ذیل میباشد: شاخص محیطی (از میانگین وزنی سه شاخص منابع، انتشار و نوآوری)، اجتماعی (از چهار مولفه نیروی کار، حقوق بشر، مسئولیت جامعه و محصول) و حاکمیتی (براساس سه مولفه مدیریت، سهامداران و استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت).

ریسک نکول: ریسک نکول عبارت است از ریسکی که یک ناشر ممکن است نتواند اصل و بهره اوراق را طبق زمانبندی مشخص پرداخت کند. عوامل متعددی در سطح خرد و کلان میتواند به نکول در ساختار بانک منجر شود. از جمله دلایل نکول در سطح خرد می توان به عملکرد نامطلوب دارایی پایه، ارزشگذاری غیرواقعی دارایی پایه، نقض قوانین و مقررات مرتبط با بانک، تخمین نادرست جریانهای نقدی آتی و نقض الزامات غیر پولی (مانند بیمه یا نگهداری یک دارایی) اشاره نمود. همچنین، ایجاد شرایط نامطلوب مالی و اقتصادی در سطح کلان (مانند بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۹-۲۰۰۷)، ایجاد شرایط فورس مازور، بحران نقدینگی و... از جمله دلایل ریسک نکول در سطح کلان است (توحیدی، ۱۳۹۹).

مروری بر نتایج تجربی پژوهش

بختیاری (۱۴۰۲)، به بررسی تاثیر گزارشگری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ادراک ریسک سرمایه گذاران پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با دقت بیشتری گزارشگری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مورد توجه قرار میدهند تا ریسک شرکت را کاهش داده و ادراک ریسک سرمایه گذاران نیز تحت تأثیر قرار گیرد.

مهری نژاد و خجسته باقرزاده (۱۴۰۱)، به شناسایی و اولویتبندی عوامل موثر بر ریسک اعتباری نکول بانکها در بستر فینتک پرداختند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان داد که وضعیت اعتباری مشتری، ملاحظات حقوقی و مخاطرات عملیاتی بانک در اولویت اول تا سوم قرار گرفته اند. همچنین ریسک مباشرت و ریسک مالکیت در اولویت آخر قرار گرفته اند. شاهرضا و همکاران (۱۴۰۱)، به رتبه بندی عوامل حسابداری و محیطی مؤثر بر سودآوری بانکهای تجاری پرداختند. نتایج پژوهش نشان میدهد، سرمایه مالی و سرمایه فکری به عنوان عوامل حسابداری، اهمیت بیشتری نسبت به شاخصهای صنعت بانکداری و اقتصاد کالان به عنوان عوامل محیطی داشته اند و رتبه بندی شاخصها نشان داده است، متغیرهای اندازه بانک، کارایی سرمایه انسانی، تمرکز مالکیت و کارایی مدیریت به ترتیب بیشترین اهمیت و متغیرهای کارایی سرمایه نوآوری، رقابت، تولید ناخالص داخلی و کارایی سرمایه ارتباطی به ترتیب کمترین اهمیت را در سودآوری بانکهای تجاری داشته اند. بر اساس شواهد تجربی این پژوهش پیشنهاد میشود، مدیران بانکهای تجاری ضمن تحلیل شرایط محیطی، به مدیریت منابع در اختیار خود توجه کافی داشته باشند. به ویژه افزایش در داراییها از طریق جذب سپرده و افزایش سرمایه و همچنین استفاده بهینه از سرمایه های انسانی نقش تعیین کننده ای در بهبود سودآوری دارند.

¹³ - Kölbl and etal

نبی زاده و بهرامی (۱۴۰۰)، به بررسی عملکرد هیبریدی در ارزیابی ریسک نکول شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل هیبریدی نسبت به مدل‌های ساختاری و غیرساختاری، پیش بینی دقیق‌تری از ریسک نکول ارائه می‌دهد. با وارد کردن نتایج هریک از این دو مدل به مدل هیبریدی، توان آماری مدل هیبریدی افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین بهره‌گیری از مدل ترکیبی به بانکها و موسسات اعتباری کمک خواهد کرد تا منابع را با ریسک کمتری در اختیار شرکتهای سالم تر قرار دهند.

ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۰)، به ارائه الگوی تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها در شرایط بروز بحرانهای مالی پرداختند. یافته‌های پژوهش بیان داشت که در شرایط بحرانهای مالی؛ ارتباطات سیاسی بر نرخ بازده داراییها و نسبت کیوتوین بانکهای نمونه؛ تأثیر منفی و معنادار و در شرایط بحرانهای مالی؛ حاکمیت شرکتی بر نرخ بازده داراییها و نسبت کیوتوین بانکهای نمونه؛ تأثیر مثبت و معناداری دارد.

اکبریان و همکاران (۱۴۰۰)، تأثیر شاخصهای عملکرد اجتماعی بر ریسک نکول اعتباری در صنعت بانکداری را بررسی نمودند. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد بین شاخص عملکرد اجتماعی و ریسک اعتباری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یعنی هر چه به شاخص عملکرد اجتماعی در بانکها توجه و برای عملیاتی کردن آنها هزینه بیشتری انجام شود ریسک اعتباری نیز افزایش خواهد یافت. و از طرفی ضریب برآورد ۰/۴۴ برای شاخصهای عملکرد اجتماعی نشان می‌دهد ۰/۴۴ تغییرات ریسک اعتباری بانکها بواسطه تغییرات عملکرد اجتماعی میباشد؛ و همچنین مدیران بانک‌ها باید در بکارگیری مکانیسمهای مسئولیت اجتماعی محتاطانه تر عمل کنند و فرض نکنند این تأثیر که منطقی باید منفی باشد همیشه صحیح است. اگیدو و همکاران (۲۰۲۴)، این مطالعه به بررسی تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بانک‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌توانند ریسک نکول را کاهش دهند و عملکرد ستون عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را افزایش دهند. از سوی دیگر، بانک‌های سرمایه‌گذاری تشویق می‌شوند تا بهترین شیوه‌ها و ساختار حاکمیتی خود را بهبود بخشند تا از مزایای کاهش ریسک بهره‌برند. این نتایج پس از یک سری تست‌های استحکام، از جمله مدل و تخمین ضریب آرانو، ثابت می‌ماند. مقاله پیامدهای عملی را برای مقامات نظارتی بانکی و شاغلان ارائه می‌دهد و تشویق به اتخاذ یک استراتژی سرمایه‌گذاری متنوع عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با توجه به مدل‌های تجاری خاص بانک می‌کند.

ولتری و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۳)، در پژوهشی تحت عنوان آیا عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی کارایی شرکت آب و برق را بهبود میبخشد و ریسک ادراک شده توسط موسسات وام دهی اعتباری را کاهش می‌دهد. نشان دادند عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی نه کارایی آب و برق را بهبود میبخشد و نه معیار مکمل مفیدی برای مدیران وام‌دهی اعتبار است.

هی و همکاران^{۱۵} (۲۰۲۳)، در پژوهشی تحت عنوان عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و ریسک پذیری شرکت: شواهدی از چین نشان دادند رتبه بندی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به طور قابل توجهی ریسک پذیری شرکت را کاهش

¹⁴ - Veltri and etal

¹⁵ - He and etal

میدهد. علاوه بر این نتایج نشان داد که تأثیر محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک پذیری شرکتها در شرکتهایی با شفافیت اطلاعات پایین تر، حاکمیت شرکتي ضعیف تر و فشار نظارت خارجی کمتر آشکارتر است.

بروداستاک و همکاران^{۱۶} (۲۰۲۱)، در پژوهشی تحت عنوان نقش عملکرد محیطی، اجتماعی و راهبری در زمان بحران مالی: شواهدی از پاندمی کرونا در چین نشان دادند که پرتفوی با عملکرد محیطی، اجتماعی و راهبری بالا معمولاً از پرتفوی های با عملکرد محیطی، اجتماعی و راهبری پایین بهتر عمل میکند. عملکرد محیطی، اجتماعی و راهبری ریسک مالی را در طول بحران مالی کاهش میدهد و نقش عملکرد محیطی، اجتماعی و راهبری در حالت عادی کاهش می یابد.

آسانته اپیا^{۱۷} (۲۰۲۰)، دریافت که حسابرسان با اعمال تلاش حسابرسی بیشتر، ریسک بالای حسابرسی که با سطح پایین افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ایجاد میشود را مدیریت میکنند. او دریافت، تلاش بیشتر با کشف تحریف با اهمیت توسط حسابرس و تجدید ارائه صورتهای مالی، ارتباط دارد. در واقع ضعف در عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت با تجدید ارائه کمتر که معیاری برای کیفیت بالای حسابرسی است، ارتباط دارد. او دریافت رابطه منفی بین سطح افشای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و کیفیت حسابرسی، عمدتاً ناشی از افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی است نه افزایش حق الزحمه حسابرسی. دریافت افشای ضعیف زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با تلاش بیشتر حسابرسی رابطه دارد و کیفیت حسابرسی را حداکثر به مدت سه سال افزایش میدهد. نتایج او نشان میدهد که تلاش حسابرسی و به دنبال آن کیفیت حسابرسی تحت تأثیر سه مولفه افشای زیست محیطی، افشای اجتماعی و افشای حاکمیتی متفاوت است.

زای و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۹)، در پژوهشی نشان دادند که شفافیت شرکتي در مورد اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و راهبری ارتباط مثبتی با کارایی شرکت در سطح افشای متوسط دارد، نه در سطح افشای بالا یا پایین. همچنین نتایج نشان داد که افشای اطلاعات حاکمیتی قوی ارتباط مثبتی را با کارایی شرکت دارد و به دنبال آن افشای اطلاعات محیطی و اجتماعی قرار دارد. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر فعالیتهای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی با عملکرد مالی شرکت رابطه مثبت دارد.

بارک و همکاران^{۱۹} (۲۰۱۹)، از داده های ریسک های زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پایگاه داده زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی استفاده کردند تا واکنش حسابرس به ریسک مرتبط با سابقه زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی صاحب کار را بررسی کنند. آنها دریافتند حسابرسان در واکنش به ضعف در افشای عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت، حق الزحمه حسابرسی را افزایش میدهند. اغلب در ادبیات از حق الزحمه های حسابرسی به عنوان شاخص تلاش حسابرسی استفاده میشود.

فرضیات اصلی و فرعی به صورت ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی: عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی اول: عوامل محیطی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر معناداری دارد.

¹⁶ - Broadstock and etal

¹⁷ - Asante-Appiah, B

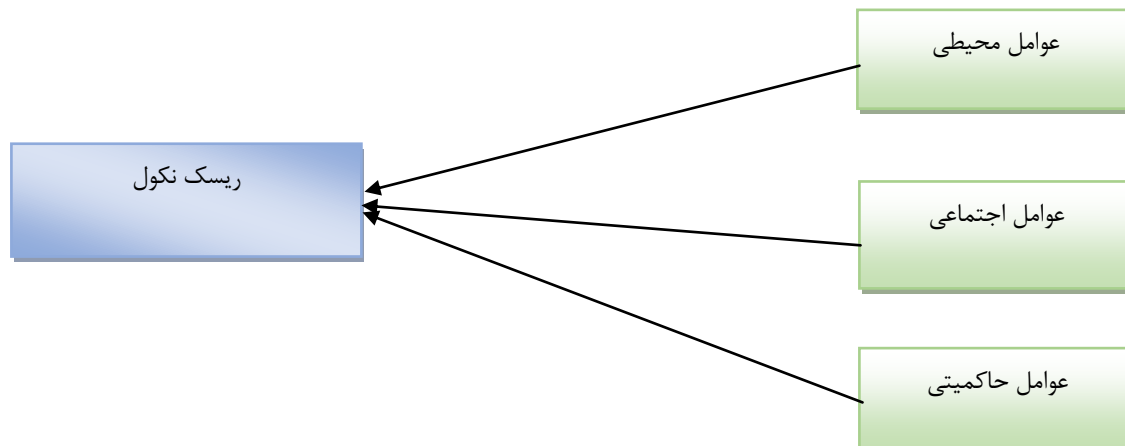
¹⁸ - Xie and etal

¹⁹ - Burke and etal

فرضیه فرعی دوم: عوامل اجتماعی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: عوامل حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر معناداری دارد.

مدل مفهومی پژوهش:



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش (اقتباس شده از مدل اگیدو و همکاران، ۲۰۲۴)

روش تحقیق

موضوع این مطالعه بررسی عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس میباشد و روش پژوهش با توجه به موضوع و متغیرهای منتخب توصیفی – پیمایشی میباشد. این مطالعه از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی است و از نوع تئوریهای اثباتی میباشد و متغیرهای آن به وسیله پرسشنامه کمی سازی شده است.

جامعه آماری مربوط به بانکهای تجاری استان فارس و به روش مقطعی در سال ۱۴۰۳ می باشد، نمونه آماری از بین نیروی انسانی فعال در بانک به روش جدول مورگان انتخاب می شود. افراد منتخب از جامعه آماری باید حداقل ۳ سال در بانک فعالیت داشته باشند.

با توجه به اینکه تعداد اعضای جامعه آماری ۲۲۰ نفر از بین بانکهای تجاری استان فارس می باشند. بنابراین، تعداد نمونه آماری منتخب در این پژوهش ۱۳۶ نفر از بین افراد فعال در بانک به روش جدول مورگان انتخاب شدند.

روش اندازه گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته؛ ریسک نکول بانک: میزان نمره ای است که از پرسشنامه استاندارد، بدست آمده و سوالات ۱ تا ۵ را تشکیل داده است.

متغیر مستقل؛ عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی: برای این متغیر سه شاخص محیطی (از میانگین وزنی سه شاخص منابع، انتشار و نوآوری)، اجتماعی (از چهار مولفه نیروی کار، حقوق بشر، مسئولیت جامعه و محصول) و حاکمیتی (براساس سه مولفه مدیریت، سهامداران و استراتژی مسئولیت اجتماعی شرکت) در نظر گرفته شده است؛ میزان نمره ای است که از پرسشنامه استاندارد، بدست آمده و سوالات ۶ تا ۱۵ را تشکیل داده است.

روایی و پایایی ابزار سنجش: در پژوهش حاضر به دلیل استاندارد بودن پرسشنامه‌های بکار گرفته شده روایی آنها به طور طبیعی مورد تأیید قرار می‌گیرد. اظهار نظر و تأیید استاد راهنما و چند تن از متخصصان دیگر مربوط به رشته‌های آمار و اقتصاد نیز اخذ گردید. برای برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتایج آن برای فرضیه تحقیق آورده شده است. از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷۰ است، لذا چنین می‌توان اذعان داشت که هر یک از متغیرها و در نهایت ابزار پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است.

جدول ۱- آزمون آلفای کرونباخ برای گویه‌ها

مقدار آلفا	گویه‌ها
۰/۷۱	عوامل محیطی
۰/۸۱	عوامل اجتماعی
۰/۸۲	عوامل حاکمیتی
۰/۸۳	ریسک نکول

یافته‌های پژوهش:

ویژگی‌های جنسیت، سن، تحصیلات افراد در دسترس نمونه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه آماری

جنسیت	فراوانی	درصد	دامنه سنی	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
آقا	۱۱۹	۸۷/۵۰٪	۲۰ تا ۳۰ سال	۲۸	۲۰/۵۹	دیپلم	۵/۸۸	۸
خانم	۱۷	۱۲/۵۰٪	۳۰ تا ۴۰ سال	۶۲	۴۵/۵۹	کاردانی	۳۸/۹۸	۵۳
			۴۰ تا ۵۰ سال	۴۴	۳۲/۳۵	کارشناسی	۴۶/۳۳	۶۳
			بیش از ۵۰ سال	۲	۱/۴۷	کارشناسی ارشد	۸/۸۱	۱۲
کل	۱۳۶	٪۱۰۰	کل	۱۶۹	٪۱۰۰	کل	۱۶۹	٪۱۰۰

فرآیند تجزیه و تحلیل متغیرها

در این مرحله برای توصیف متغیرهای اصلی پژوهش از میانگین، انحراف معیار، بیشینه و کمینه داده‌ها استفاده شده است. با توجه به پرسشنامه که از طیف لیکرت استفاده شده، عدد یک بیانگر حد ضعیف و عدد ۳ بیانگر حد وسط و عدد ۵ بیانگر حد بالا در طیف لیکرت می‌باشد که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۳- تجزیه و تحلیل متغیرها در مدل

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
عوامل محیطی	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۳۵	۰/۳۲
عوامل اجتماعی	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۳۶	۰/۳۳
عوامل حاکمیتی	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۴۴	۰/۲۹
ریسک نکول	۱/۰۰	۵/۰۰	۴/۳۸	۰/۳۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که مشخص است بیشترین میانگین مربوط به عوامل حاکمیتی با میزان ۴/۴۴ و کمترین میانگین مربوط به عوامل محیطی با ۴/۳۵ است.

آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب آلفای کروناخ

در جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف خلاصه شده است:

جدول ۴- نتایج حاصل از آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف

گویه ها	ضریب بدست آمده	نتیجه
عوامل محیطی	۰/۱۱۲	تایید نرمال بودن توزیع آماری
عوامل اجتماعی	۰/۱۲۶	تایید نرمال بودن توزیع آماری
عوامل حاکمیتی	۰/۱۱۶	تایید نرمال بودن توزیع آماری
ریسک نکول	۰/۱۱۲	تایید نرمال بودن توزیع آماری

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتیجه بدست آمده نرمال بودن توزیع همه گویه ها مورد تایید می‌باشد.

جدول ۵- ضریب آلفای کروناخ و تعداد سوالات

مولفه	تعداد سوالات	آلفای کروناخ
عوامل محیطی	۴	۰/۷۱
عوامل اجتماعی	۴	۰/۸۱
عوامل حاکمیتی	۴	۰/۸۲
ریسک نکول	۴	۰/۸۳

در این بخش با توجه به ماهیت متغیرهای پژوهش به فرضیه های پژوهش با روش های عدم هم خطی متغیرها پاسخ داده می

شود. تخمین مدل رگرسیونی

با توجه به توضیحات داده شده رگرسیون ذیل تخمین زده میشود:

$$B = \alpha + \lambda_1 * B_1 + \lambda_2 * B_2 + \lambda_3 * B_3 + \varepsilon$$

جدول ۶- معرفی متغیرهای مدل رگرسیونی

متغیر	نماد	نوع متغیر
عوامل محیطی	B_1	مستقل
عوامل اجتماعی	B_2	مستقل
عوامل حاکمیتی	B_3	مستقل
ریسک نکول	B	وابسته

جدول ۲- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ = ریسک نکول				
متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره آزمون t	سطح معناداری
ثابت معادله (α)	-۰/۱۲	۰/۰۸	-۱/۳۶	۰/۰۰۰
عوامل محیطی	-۰/۳۲	۰/۰۱	-۱/۱۱	۰/۰۰۰
عوامل اجتماعی	-۰/۲۵	۰/۰۴	-۱/۲۶	۰/۰۰۰
عوامل حاکمیتی	-۰/۲۶	۰/۰۴	-۱/۳۶	۰/۰۰۰
آماره آزمون $F = ۲۳۶/۸$ سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$				
ضریب تعیین $= ۰/۹۵$ دوربین واتسون: $۲/۱۸$				

منبع: یافته‌های پژوهشگر

از تحلیل مدل فوق با توجه به معنی داری ضریب تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس نتیجه گیری میشود:

با توجه به اینکه آماره دوربین واتسون $۲/۱۸$ شده است و این عدد بین $۱/۵$ تا $۲/۵$ قرار دارد و همچنین سطح معناداری نیز صفر شده است؛ دو شرط لازم برای تأیید فرضیه برقرار است و در نتیجه عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکهای تجاری استان فارس تأثیر معناداری دارد.

بحث و نتیجه گیری

چنانچه مشخص است و با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه‌های پژوهش، می‌توان گفت که متغیرها یا شاخصهای مربوط به عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی میتواند منجر به کاهش ریسک نکول یا ریسک اعتباری بانکها شود. به بیانی دیگر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اثری معکوس بر ریسک نکول ایجاد میکند که میتواند باعث کاهش آن شود و از طرفی عملکرد بانکی را رونق بخشد. بنابراین ممکن است عوامل و یا شرایط دیگری باعث شود که عوامل فوق منجر به افزایش ریسک نکول بانکها شود و کلاً بر عملکرد بانک نیز اثری منفی بگذارد که ممکن است وجود تحریم ها، تورم، افزایش بهره و نرخ ارز و یا دیگر موارد از این قبیل میباشد. اما در شرایط عادی و با فاکتور گرفتن از شرایط خاص، عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی منجر به کاهش ریسک نکول بانکها میگردد که در این راستا سرپرستان بانکها با رعایت نکات مربوط به آن میتوانند نقش قابل توجهی بر کاهش ریسک و افزایش عملکرد بانک یا ایجاد سودآوری و بهبود عملکرد مالی آن نمایند. بنابراین، کاهش ریسک نکول بانکها منجر میشود که با خیال آسوده تری به فعالیتهای خود پردازند و عملیات و فعالیتهای خود را بهتر اجرا نمایند و از طرفی برای تسهیلات و وامدهی نیز موفق تر ظاهر شوند و در نتیجه سودآوری بیشتری داشته باشند که همه این نتایج در شرایط بحرانی و غیرعادی ممکن است متفاوت باشد.

نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاکی از آن است که عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌تواند باعث کاهش ریسک نکول بانکها شود؛ بنابراین تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول منفی و معنادار می‌باشد. با این وجود، عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی باعث ایجاد تغییراتی در ریسک نکول بانکها میشود که میتواند باعث افزایش کارایی و عملکرد بانک شود و از طرفی با کاهش ریسک نکول بانک، سودآوری و فعالیتهای بانکی تقویت یابد که این امر ممکن است در شرایط بحرانی متفاوت باشد. این نتایج با پژوهش اگیدیو و همکاران (۲۰۲۴)، ولتری و همکاران (۲۰۲۳)، بختیاری (۱۴۰۲)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد.

نتایج فرضیه فرعی اول پژوهش حاکی از آن است که عوامل محیطی بر ریسک نکول بانکها تأثیر منفی و معناداری دارد. به عبارتی عوامل محیطی یا زیست محیطی میتواند منجر به کاهش ریسک نکول بانکها شود و از این طریق در عملکرد بانکها و فعالیتهای مربوط به آن نقش مثبتی ایفا نماید. عوامل زیست محیطی میتواند به عنوان یک شاخص کاهنده ریسک مطرح شود اما در شرایط بحرانی و یا ناشی از عوامل اقتصادی ممکن است این رویه تغییر نماید و یا اینکه منجر به افزایش ریسک نکول بانکها گردد. این نتایج با پژوهش اگیدیو و همکاران (۲۰۲۴)، هی و همکاران (۲۰۲۳)، مهری نژاد و خجسته باقرزاده (۱۴۰۱)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد.

نتایج فرضیه فرعی دوم پژوهش حاکی از آن است که عوامل اجتماعی میتواند منجر به کاهش ریسک نکول بانکها گردد. به عبارتی ریسک نکول بانکها تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار میگیرد و این اثرگذاری به صورت معکوس می‌باشد یعنی تأثیر عوامل اجتماعی بر ریسک نکول منفی و معنادار است. به طوری که افشای مسئولیت اجتماعی یا عوامل اجتماعی باعث میشود بانکها ریسک کمتری را از خود به جای بگذارند و شفاف سازی اطلاعات منجر به بهبود عملکرد بانکی نیز میشود. این نتایج با پژوهش اگیدیو و همکاران (۲۰۲۴)، بروداستاک و همکاران (۲۰۲۱)، شاهرضا و همکاران (۱۴۰۱)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد.

نتایج فرضیه فرعی سوم پژوهش حاکی از آن است که عوامل حاکمیتی میتواند منجر به کاهش ریسک نکول بانکها شود. به عبارتی دیگر عوامل حاکمیتی اثری منفی و معنادار بر ریسک نکول بانکها دارد و باعث میشود ریسک نکول را به حداقل برساند چراکه از راهبردها و اهداف مدیریتی و حاکمیتی بهره میگیرد و منجر میشود اهداف خود را در مسیر بهتری هدایت نماید. بنابراین راهبردها و برنامه های حاکمیتی نقش تأثیرگذاری بر کاهش ریسک نکول بانکها ایجاد میکند که منجر به بهبود وضعیت عملکرد بانک میشود. این نتایج با پژوهش اگیدیو و همکاران (۲۰۲۴)، آسانته اپیا (۲۰۲۰)، نبی زاده و بهرامی (۱۴۰۰)، هم‌راستا و سازگار می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی و برای محققان آتی

با توجه به نتایج فرضیه اصلی، می‌توان پیشنهاد نمود جهت کاهش ریسک نکول بانک، عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را مورد توجه قرار دهند و با شناسایی این عوامل و رعایت نکات مربوط به آن باعث کاهش ریسک نکول بانکها شوند. از طرفی میتوان عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را به صورت یک چارت تهیه نمود و در اختیار کارکنان و سرپرستان

بانکها قرار داد تا موقع لزوم از آن بهره ببرند و یا اینکه آموزشهایی در این خصوص به کارکنان بانکها داشته باشند تا بتوانند از راهبرد آن بهتر استفاده نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی اول، می توان پیشنهاد نمود جهت کاهش ریسک نکول یا ریسک اعتباری بانک به عوامل محیطی و شناخت موارد مربوط به آن اهمیت دهند و با بکارگیری نکات مربوط به آن به کنترل و کاهش ریسک بانکی بپردازند. از طرفی با توجه به محیط فعالیت بانکها در مکانهای مختلف میتوانند این ریسکها را مدیریت نمایند که در این راستا نیز کلاس های آموزشی و استفاده از کارشناسان میتواند به آنها کمک نماید تا نتایج بهتری اخذ نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی دوم، می توان پیشنهاد نمود جهت کاهش ریسک نکول و یا اعتباری بانک به عوامل اجتماعی توجه ویژه ای داشته باشند و با افشاء به موقع اطلاعات و رعایت نکات مربوط به آن بتوانند منجر به کاهش ریسک بانکی شوند و از طرفی شناسایی این عوامل را در رأس فعالیتهای خود قرار دهند و آن را به صورت یک استراتژی تهیه و در اختیار کارکنان و سرپرستان بانکها قرار دهند تا بتوانند با رعایت آن میزان ریسک موجود در بانک را مدیریت و کنترل نمایند و در نتیجه به سودآوری و عملکرد بهتری دست یابند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی سوم، می توان پیشنهاد نمود جهت کاهش ریسک نکول بانکها به عوامل حاکمیتی توجه ویژه داشته باشند. راهبردها و اهدافی که توسط هیئت مدیره مطرح میشود و یا کارشناسان بر آن نظر میدهند میتواند راه گشای کاهش ریسک بانکی شود بنابراین میتوان از افراد متخصص و کجرب استفاده نمود. از طرفی با شناسایی این عوامل میتوان آنها را به صورت چارت تهیه و در اختیار سایر کارکنان و سرپرستان بانکها قرار داد تا با بهره گیری از آن بتوانند ریسک نکول بانکها را کاهش و منجر به عملکردی بهتر و یا سودآوری بیشتر شوند.

در این مطالعه به بررسی تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ریسک نکول بانکها پرداخته شده است؛ انتظار می رود در تحقیقات آتی مولفه های زیر نیز با موضوع فوق مورد بررسی قرار دهند:

- با توجه به مدیریت ریسک؛ توانایی مالی مدیران بانکها و رقابت بین آنها
- با توجه به افشای اطلاعات مالی و غیرمالی و کیفیت گزارشگری مالی
- با توجه به افشای مسئولیت پذیری اجتماعی، تمرکز مالکیت و ساختار آن،
- با توجه به فرصت های رشد، ساختار سرمایه، ساز و کارهای نظام راهبری؛
- با توجه به نقش حسابرسان مستقل، یا نقش بانک مرکزی
- باتوجه به وجود شرایط بحرانی ناشی از تحریمها، شرایط اقتصادی و تورم

منابع و مأخذ

- ابراهیمی کردلر، علی، محمدی شادف زهره (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ریسک نکول و ضریب واکنش سود؛ بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۲۱۰۱، ۱-۱۸.
- اخترشناس، داریوش، حسن زاده، شادی، غلامی، کژال (۱۴۰۲). فلسفه وجودی پایداری شرکتی در ایران: رویکرد ترکیبی، پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۲(۱)، ۲۲۷-۲۶۵.

- اکبریان، صابر، انواری رستمی، علی اصغر، رضایی، نادر، عبدی، رسول (۱۴۰۰). تأثیر شاخصهای عملکرد اجتماعی بر ریسک اعتباری در صنعت بانکداری؛ فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری؛ ۱۰(۴۰): ۷۲۹-۷۴۵.
- بختیاری، مسعود (۱۴۰۲). بررسی تأثیر گزارشگری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بر ادراک ریسک سرمایه گذاران؛ پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۲(۲۳): ۷۳-۱۰۲.
- توحیدی، محمد (۱۳۹۹). تجدید ساختار صکوک جهت مدیریت ریسک نکول براساس موازین شریعت. دو فصلنامه علمی پژوهشی جسارت های اقتصادی ایران، ۱۷(۳۳): ۳۵-۵۷.
- ذوالفقاری، مهدی، واعظ، سیدعلی، خدامرادی، محمد (۱۴۰۰). ارائه الگوی تأثیر ارتباطات سیاسی و حاکمیت شرکتی بر عملکرد بانکها در شرایط بروز بحرانهای مالی؛ فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۱(۵۵): ۱۹۱-۲۱۵.
- شاهرضا، علیرضا، فغانی ماکرانی، خسرو، فاضلی، نقی (۱۴۰۱). رتبه بندی عوامل حسابداری و محیطی مؤثر بر سودآوری بانکهای تجاری؛ پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی؛ ۱۴(۴): ۸۹-۱۱۴.
- کریمی، زهرا، اسدی گرچی، حسین، گیلک حکیم آبادی، محمدتقی، اسدی، نوراله (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکهای تجاری (مطالعه موردی: بانک تجارت شهر نکا - استان مازندران)؛ دو فصلنامه اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، ۲۲(۱۰): ۲۰۵-۲۳۴.
- معبودی، حمیدرضا، رضایی، فرزین، کردستانی، غلامرضا (۱۴۰۰). تأثیر افشای اجزای گزارشگری پایداری بر ارتباط بکارگیری سطوح مختلف تکنیکهای حسابداری مدیریت با ارزش کارآفرینی. پژوهشهای کاربردی در گزارشگری مالی، ۱۰(۲): ۷-۳۴.
- مهری نژاد، صفیه، خجسته باقرزاده، محمدسعید (۱۴۰۱). شناسایی و اولویتبندی عوامل مؤثر بر ریسک اعتباری بانکها در بستر فینتک؛ فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری؛ ۶(۸۷): ۴۴۶-۴۶۷.
- نبی زاده، احمد، بهرامی، مازیار (۱۴۰۰). بررسی عملکرد هیبریدی در ارزیابی ریسک نکول شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ فصلنامه راهبرد مدیریت مالی دانشگاه الزهراء، ۹(۳۲): ۱۵۵-۱۷۶.

- Asante-Appiah, B. (2020). Does the severity of a client's negative environmental, social and governance reputation affect audit effort and audit quality? *Journal of Accounting and Public Policy*, 39(3), 1-22.
- Broadstock, D.C., Chan, K., Cheng, L. Wang, X. (2021). The role of ESG performance during times of financial crisis: Evidence from COVID-19 in China, *Finance Research Letters*, 38.
- Brookman, J. & P. D. Thistle. (2009) " CEO tenure, the risk of termination and firm value". *Journal of Corporate Finance* 15 (3): 315-330.
- Burke, J., Hoitash, R., Hoitash, U. (2019). Auditor response to negative media coverage of client environmental, social, and governance practices. *Accounting Horizons*, 33(3), 1-23.
- Cerqueti, R., Ciciretti, R., Dalò, A., Nicolosi, M. (2021). ESG investing: A chance to reduce systemic risk. *Journal of Financial Stability*, 54, 100887.
- COSO. (2018). Applying enterprise risk management to environmental, social and governance-related risks. New York: *Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission*.
- Egidio, P, Greta. Benedetta, F, Yener. A, Valeria. S, Enrico. F. G. (2024). Business model and ESG pillars: The impacts on banking default risk. *International Review of Financial Analysis* 91 (2024) 102978.
- He, F., Ding, C., Yue, W., Liu, G. (2023). ESG performance and corporate risk-taking: Evidence from China. *International Review of Financial Analysis*, 87, 102550.
- Houston, J. F., & Shan, H. (2022). Corporate ESG profiles and banking relationships. *The Review of Financial Studies*, 35(7), 373-3417.
- Jo, H., Na, H., (2021). Does CSR reduce firm risk? Evidence from controversial industry sectors. *J. Bus. Ethics* 110 (4), 441-456.
- Kölbel, J.F., Busch, T., Jancso, L.M. (2017). How media coverage of corporate social irresponsibility increases financial risk. *The Strategic Management Journal*, 38(11), 2266-2284.

- Landi, G. C., Iandolo, F., Renzi, A., Rey, A. (2022). Embedding sustainability in risk management: The impact of environmental, social, and governance ratings on corporate financial risk. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*.
- Lartey, T., James, G. A., Danso, A., & Boateng, A. (2022). Bank business models, failure risk and earnings opacity: A short-versus long-term perspective. *International Review of Financial Analysis*, 80, 102041.
- Monasterolo, I. (2020). Climate change and the financial system. *Annual Review of Resource Economics*, 12, 299–320. Murtagh,
- Shakil, M.H. (2021). Environmental, social and governance performance and financial risk: Moderating role of ESG controversies and board gender diversity, *Resources Policy*, 72.
- Veltri, S., Bruni, M. E., Iazzolino, G., Morea, D., Baldissarro, G. (2023). Do ESG factors improve utilities corporate efficiency and reduce the risk perceived by credit lending institutions? *An empirical analysis. Utilities Policy*, 81, 101520.
- Wei Ting ,(2011) , "Top management turnover and firm default risk: Evidence from the Chinese securities market" *China Journal of Accounting Research* 4 , 81–89
- Xie, J., Nozawa, W., Yagi, M., Fujii, H., Managi, S. (2019). Do environmental, social, and governance activities improve corporate financial performance?. *Business Strategy and the Environment*, 2(28), .286-300.
- Zakaria, N.B., Bin Mohamad, A.M. and Rabiatal Alawiyah, Z. (2013). default risk and the earnings response coefficient. Evidence from malaysia. *journal of basic and applied scientific research*, 3(6): 535-545.

An Investigating the impact of environmental, social, and governance factors on bank default risk

Mohammad Mehr Afrooz ^{*1}

Abstract

The aim of this study is to determine the effect of environmental, social and governance factors on the default risk of commercial banks in Fars province. The research method was descriptive-survey and applied. The research data were collected cross-sectionally in the first half of 2023 through a questionnaire distributed among the sample members and collected over a specific period of time. The validity was assessed in the form of face validity and data reliability using Cronbach's alpha test and its regression analysis. In this regard, the statistical population is commercial banks in Fars province, and the statistical sample includes 136 active members in the bank who were selected using the Morgan table method. The results of the study indicate that the effect of environmental, social and governance factors on the default risk of commercial banks in Fars province has a negative and significant effect. Therefore, identifying environmental, social and governance factors and observing the relevant points can reduce the default risk of banks and, as a result, increase profitability and improve their performance.

Keywords

Environmental factors, social factors, governance factors, default risk

1* Master of Accounting, National Bank, Oz, Iran. (Corresponding author: Mohammadmehrafrooz2580@gmail.com)